

آینده‌پژوهی و مدلسازی نرم‌افزاری روابط ایران و انگلستان از منظر مؤلفه‌های قدرت هوشمند با تمرکز بر جغرافیای سیاسی ایران

امید افخمی

دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ابومحمد عسگرخانی^۱

دانشیار رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید داوود آقایی

استاد تمام رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۰ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰

چکیده

جغرافیای سیاسی به طور کل درگیر تحلیل فضایی پدیده‌های سیاسی است ضمن اینکه به اختصاصات فضایی فرآیند سیاسی نیز توجه دارد. در جغرافیای سیاسی مفهوم منطقه، یک فضای جغرافیایی است که از یک سلسله پدیده‌های مشابه و عوامل پیوند دهنده در محیط تشکیل شده است که دارای یک شخصیت جغرافیایی یکپارچه و متمایز از دیگر مناطق است. در این تحقیق، قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران و ارائه یک مدل مهندسی شده در روابط فی مابین ایران و کشور انگلستان با تمرکز بر جغرافیای سیاسی ایران بررسی، تجزیه و تحلیل شده است. در این راستا نقش پارامترهای قدرت، فرهنگ و قدرت هوشمند که تا بحال در برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و غیره جدی گرفته نشده بودند برجسته خواهد شد. نتایج این تحقیق در برقراری صلح و امنیت پایدار بین‌المللی و درک متقابل و همچنین رفع مشکلات و معضلاتی که مانع توسعه پایدار ج.ا.ایران در حال و آینده می‌شود اثربخشی ویژه‌ای خواهد داشت. مفاهیم نوین قدرت هوشمند که بر بستر تجارب معاصر بین‌المللی جایگاه خود را در ادبیات قدرت و سیاست پیدا کرده است، موضوع فهم و به کارگیری مؤلفه‌های قدرت هوشمند را به منظور افزایش توانمندی‌ها در ابعاد مختلف به ویژه بازدارندگی ج.ا.ایران در برابر هرگونه تهدیدات خارجی و داخلی را حائز اهمیت نموده است. مهندسی روابط بین‌الملل به کمک نرم‌افزارهای تحلیلی و آماری با استفاده از داده‌های میدانی در قالب مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها و همچنین مطالعات اسنادی در حوزه علوم انسانی و نیز روش پانل خبرگان به ندرت انجام گرفته است. در این بررسی، به طور همزمان چند متغیر تاثیرگذار در قالب جغرافیای سیاسی به صورت کاملاً نوآورانه و با دیدگاه آینده‌پژوهی مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که پارامترهای قدرت و فرهنگ هر یک از ابعاد مختلفی تشکیل شده‌اند و این ابعاد از لحاظ تاثیرگذاری و تأثیرپذیری بر روابط ایران و انگلستان متفاوت هستند. در نتیجه برای پیش‌بینی اثر قدرت هوشمند بر روابط فی مابین و تصمیم‌گیری در مورد نحوه روابط باید با در نظر گرفتن این ابعاد و توجه هر چه بیشتر به این عوامل صورت گیرد تا نتایج بهتری در جهت توسعه پایدار کشور ایران بدست آید.

کلمات کلیدی: جغرافیای سیاسی، رئالیسم نئوکلاسیک، آینده‌پژوهی

مقدمه

در جهان کنون قدرت اقتصادی سیاسی و نظام کشورها به میزان بهره مندی آنها از جغرافیای سرزمین آنها بستگی دارد و این جغرافیا می‌تواند موجب تقویت بنیه یک کشور و یا تهدید برای آن به شمار آید. در این میان کشور ایران با توجه به موقعیت جغرافیای خود یعنی قرارگرفتن در منطقه خاورمیانه به عنوان منبع انرژی می‌تواند نقشی مهم در تبادلات انرژی ایفا کند. قرار گرفتن ایران در منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جهان که محل تلاقی و راه ارتباط اروپا به جنوب و شرق آسیا و پل ارتباط میان سه قاره اروپا آسیا و آفریقا است و امکان دسترسی کشورهای تازه استقلال یافته به آبهای آزاد را فراهم می‌سازد. این موضوع خواسته یا ناخواسته ایران را در متن تحولات مهم جهان قرار می‌دهد. موقعیت ژئواستراتژیک، جمعیت کمی و کیفی سرزمینی، منابع سرشار از انرژی و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل رشد و توسعه، ایران را مرکز ثقل اهرم سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ قرار داده است (باقری، ۱۳۹۴).

نظریه‌های سیاست خارجی در پی توضیح این مطلب هستند که دولت‌ها در حوزه خارجی خود به دنبال چه بوده‌اند و چه زمانی سعی در بدست آوردن آن هستند. گرچه برخی چون والتز، معتقد هستند که سیاست خارجی توسط عوامل داخلی و خارجی هدایت می‌شود، بنابراین نمی‌توان در پی توصیف نظری آن بود. البته دیگرانی هستند که به رد این تردید پرداخته و در نتیجه، تلاش‌های اخیر آنها در ساختن یک نظریه کلی از سیاست خارجی، به ایجاد مکاتب فکری متعدد از جمله نظریه رئالیسم نئوکلاسیک انجامیده است (Ripsman, 2009).

واقع‌گرایی نئوکلاسیک ضمن باور به این که فهم اکثر امور جاری روابط بین‌الملل بر عهده نظریه سیاست خارجی است، با درگیر نمودن هم‌زمان متغیرهای داخلی و متغیرهای بیرونی، دیدگاه سازمان یافته به خصوصی از تفکر رئالیسم کلاسیک را به وجود آورده است. این نظریه پردازان ضمن توجه به این نکته که تأثیر متغیر بیرونی نظام بین‌المللی بر سیاست خارجی کشورها پیچیده است، به نحوی که فشارهای سیستمی از طریق متغیرهای مداخله‌گر بر سطح واحد ترجمه می‌شوند، بر نقش تعیین‌کننده مؤلفه‌های داخلی بر سیاست خارجی کشورها تأکید می‌نمایند. در میان نظریه‌های روابط بین‌الملل، واقع‌گرایی نئوکلاسیک به دلیل اهمیتی که به مؤلفه‌های درونی هر کشور می‌دهد، می‌تواند چارچوب مناسبی برای تحلیل سیاست خارجی ایران در قبال انگلستان بدهد. بنابراین، سوال اصلی این مقاله آن است که ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت هوشمند ایران در رابطه با انگلستان در چارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک کدام‌اند؟ در واقع، با این بررسی، قصد داریم تا میزان اثربخشی مؤلفه‌های داخلی از جمله قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و منطقه‌ای ایران در ساماندهی روابط ایران و انگلستان را بسنجیم. همچنین، چگونگی نقش زبان و فرهنگ (مبادلات فرهنگی) در ساماندهی روابط ایران و انگلستان بررسی خواهد شد. و در نهایت، چگونگی نقش و اهمیت قدرت هوشمند^۱ با توجه به پیچیدگی‌های مسائل امنیتی، فرهنگی-سیاسی و اقتصادی، در روابط فی‌مابین ایران و انگلستان بررسی می‌شود.

پس از گذشت چندین سال از تسلط گفتمان قدرت نرم بر فضای مدیریت منابع قدرت، نتایج به دست آمده از مجموع این تلاشها، گویای این حقیقت بود که این شیوه مدیریت منابع قدرت نیز به تنهایی پاسخ‌گوی نیازهای

^۱ Smart Power

موجود در این حوزه نبوده است و به شدت نیاز است تا با تکیه بر تجارب گذشته، به ارتقای شیوه بهره‌گیری از منابع قدرت پرداخته شود (Mohammad Nia, ۲۰۱۰). قدرت‌های بزرگ جهان پس از چند دهه فعالیت ناپیوسته میان دو حوزه قدرت سخت و قدرت نرم این واقعیت را دریافتند که با تصویری رو به افول از خود در میان افکار عمومی ملت‌های جهان مواجه‌اند، با توجه به این شرایط شکی نیست که این قدرت‌ها در رسیدن به اهداف آینده خود با مشکلات جدی مواجه خواهند شد، دلیل این را نیز می‌توان همانند دوره‌های گذشته در تغییر بافت فضای جهانی جست و جو کرد (آشنا، ۱۳۹۰). ابزار قدرت سخت و نرم در روابط بین‌الملل، متفاوت است و به طور سنتی، کشورها توجه بیشتری به ابزار سخت افزاری در سیاست‌های اعمالی خود لحاظ کرده‌اند. در همین حال، محققان و متخصصان بر این باورند که با توجه به چالش‌های جدید اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌الملل باید از پیش فرض‌های قدیمی در مورد قدرت "سخت" و "نرم" عبور کرده و ترکیب بهینه و موثرتری از به کارگیری آن قدرت‌ها را ارائه نمود (Raimzhanova, 2015).

در این پژوهش، روابط ایران و انگلستان از منظر قدرت هوشمند بررسی شده است. قدرت هوشمند از مفاهیم جدید در علوم روابط بین‌الملل تلقی می‌شود و اولین بار توسط آمریکایی‌ها مطرح شد. مبدع واژه قدرت هوشمند، سوزان ناسل و توسعه دهنده و مفسر آن، ریچارد آرمیتاژ شناخته شده است.

برای بررسی تاثیر قدرت هوشمند در روابط ایران و انگلستان از رویکرد آینده پژوهی استفاده شده است. شناخت آینده همواره بخشی از میل دیرینه انسان برای درک دنیای پیرامون خود بوده است. امروزه به رغم تلاش‌های فراوان و به کارگیری دانش و فناوری، در راه درک چشم اندازهایی از فردای جهان، گام‌هایی کوچک برداشته شده است. مجموعه این گامها دانش نوینی پدید آورده که آینده پژوهی نام گرفته است.

درک بهتر از آینده یک سامانه مانند یک سازمان یا یک کشور یا حتی یک فناوری و یا روابط فی‌مابین دو کشور، هنگامی رخ می‌دهد که سامانه را به طور عمیق‌تر مورد بررسی قرار داده و آثار روندهای مؤثر بر آن را روشن شود. قدرت این نوع ساده تحلیل اثر متقابل این است که کمک می‌کند تا فرض‌ها نسبت به آینده روشن شود و ایده‌های متناقض شناسایی شود. نکته بسیار مهم دیگر این است که تصویر روشنی از این‌که کدام روندها و پیشران‌ها پیش‌برنده و کدام وابسته‌اند، به دست می‌آید.

در این مقاله، برای بررسی روابط ایران و انگلستان از منظر قدرت هوشمند از روش تحلیل تأثیر متقابل استفاده شده است. برای رسیدن به درک این مسئله که چگونه می‌توان متوجه شد که کدام روند تأثیر بیشتری بر آینده سامانه مورد مطالعه دارد و یا کدام روندها بیشتر تأثیرپذیر هستند؛ بهره‌گیری از روش تحلیل اثر متقابل یا روش تحلیل تأثیر بر گذر متقاطع، یک رویکرد کارا و مفید خواهد بود. در بیشتر رویکردهای علمی از تحلیل تأثیر متقابل به منظور بررسی احتمال سناریوها استفاده می‌شود. تدوین سناریو، مبنای تحلیل برنامه‌ریزان و مدیران را در مراحل بعدی برنامه‌ریزی فراهم می‌کند. ابزار این بررسی، نرم‌افزار Micmac است. در ادامه، این روش تشریح و نتایج مدلسازی روابط ارائه شده است.

مبانی نظری

جغرافیای سیاسی

از دیدگاه علمی جغرافیای سیاسی دانشی نسبتاً پویا است. زیرا این علم بعد از انتشار کتاب جغرافیای سیاسی فردریک راتزل در سال ۱۸۹۸ به عنوان شاخه مستقل از علم جغرافیا شناخته شد. جغرافیای سیاسی به طور کل درگیر تحلیل فضای پدیده‌های سیاسی است ضمن اینکه به تظاهرات و اختصاصات فضای فرآیند سیاسی نیز توجه دارد (میر حیدر، ۱۳۸۵، اخباری و نامی، ۱۳۸۹). در اواخر قرن نوزدهم کارل ریتز در برلین نظریه رشد دولت را مشابه آنچه ابن خلدون در پنج قرن پیش از آن ارائه کرده بود مطرح کرد با این تفاوت که آن را قابل قیاس با موجود زنده می دانست. به همین دلیل نظریه وی را نظریه ارگانیسم می نامند. دوره جدید تحول در جغرافیای سیاسی با فردریک راتزل آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۴) آغاز می شود. راتزل بدلیل ارائه مفاهیم و متدولوژی جدید در جغرافیای سیاسی پدر این دانش شناخته شده است. راتزل از جهتی دیگر بنیانگذار ژئوپلیتیک نیز محسوب می گردد. وی در زمره جغرافیدانانی است که به داروینیسم اجتماعی اعتقاد داشتند. او در کتاب خود به دو عامل وسعت و موقعیت جغرافیایی اشاره کرده است. وی معتقد بود که وسعت خاک یک کشور نشان دهنده قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی دولت آن است. هر قدر خاک دولت وسیعتر باشد قدرت سیاسی و تمدن آن کشور گسترده تر خواهد بود بنابراین مردم یک کشور باید از نیازهای فضای خود آگاه باشند و در تامین آن بکوشند. بنظر وی با توجه به نظریه رشد دولتها مرزهای بین الملل نمی توانند دائمی باشند بلکه فقط بطور موقت به عنوان تعیین کننده اوضاع در نزاع فضایی دولتها محسوب می شوند (Neack, 1995).

مفهوم قدرت هوشمند

قدرت هوشمند، بعد جدیدی از قدرت است که همان توانایی اقتصادی و نظامی را شامل می شود. به عبارتی، این بخش از قدرت تا قبل از جنگ جهانی اول، تواناترین ابزار تلقی می شد. جوزف نای معتقد است اگرچه نیروی نظامی انگلستان، بهترین نیروی جنگی است اما بسیاری از مشکلات امروز، راهکار نظامی نیاز ندارد. به عنوان مثال، برای مبارزه با القاعده یا تغییرات آب و هوایی، ابزار غیرنظامی مؤثر و کارآمدتر است. بنابراین، امروزه هزینه کردن برای قدرت سخت، لزوماً امنیت را افزایش نمی دهد (آرمیتاژ، ۲۰۰۷).

سوزان ناسل (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای در مجله فرین پالیسی، راهکار قدرت نرم جوزف نای را برای مقابله جدی با تهدیدات پیش روی انگلستان، ناکارآمد دانست و پیشنهاد مفهوم جدیدی با عنوان قدرت هوشمند به معنای ترکیب قدرت نرم و سخت را ارائه نمود. نظریه قدرت هوشمند جوزف نای از جمله نظریه‌هایی است که برای کمک به حفظ برتری انگلستان در قرن ۲۱ و بازتعریف جایگاه جهانی انگلستان، توسعه یافته و در سال ۲۰۰۷ در قالب طرحی با کمک ریچارد آرمیتاژ از مسئولان اسبق وزارت خارجه انگلستان در قالب یک گزارش راهبردی توسط CSIS منتشر شد. نای (۲۰۰۴)، معتقد است که وی برای اولین بار اصطلاح قدرت نرم را در دهه نود میلادی به کار برده است. قدرت نرم از نظر او در طرح مارشال شکل گرفت. اما برخی معتقدند که با آغاز به کار شبکه‌هایی چون بی‌بی‌سی و پخش‌های جهانی و بیست و چهار ساعته رادیویی، قدرت نرم جلوه نموده است. قدرت نرم عبارت است

¹ Ratzel

از توانایی کسب مطلوب از طریق جاذبه که همان فرهنگ و ایده‌آل‌های سیاسی تلقی می‌شود. جوزف نای، دیپلماسی عمومی را به عنوان سیاستی تشریح می‌کند که قدرت نرم نامیده می‌شود. وی می‌گوید: "قدرت نرم، توان واداشتن دیگران به امری است که شما می‌خواهید. این قدرت جذب است به جای متوسل شدن به تهدید یا زور. قدرت نرم، متکی بر اغوای مردم است تا نتایج خاصی را به بار آورد". قدرت هوشمند، ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت است و به عبارت دیگر، هرکدام از این دو جنبه از قدرت بدون دیگری ناقص تلقی می‌شوند. در قدرت هوشمند، توانایی نظامی، باز تعریف می‌شود. قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی، همگام است اما زمانی که قدرت سخت از طریق رویه‌های نرم به کار گرفته می‌شود، قدرت هوشمند تولید می‌نماید (نای، ۲۰۰۴).

الان چونگ در مقاله «در آمدی بر نیروی نظامی و قدرت هوشمند» بر این باور است که قدرت هوشمند از دو عنصر تشکیل شده است: تلاش برای ساختن جامعه در میان حکومت‌ها و بین حکومت‌ها و بازیگران غیر دولتی؛ و همچنین میل به استفاده پاک تر از قدرت در عرصه بین الملل (آشنا، ۱۳۹۰).

قدرت هوشمند، ترکیب هوشمندانه از قدرت سخت و نرم است. منظور از ترکیب هوشمندانه منابع قدرت سخت و نرم با توجه به شرایط محیطی و زمانی است. منظور از منابع نرم، آن دسته از منابع قدرتی است که در نهایت استعداد و توان جذب بازیگر را شکل می‌دهند و شامل مولفه‌هایی، چون اغواء، شیفتگی، دوست داشتن و ... می‌شود، که ویژگی محوری آنها پذیرش و شکل عمومی آنها اقتدار است. استراتژی قدرت هوشمند با به کارگیری اهداف مشخص، سلطه و هژمونی مورد نظر خود را در درک عامل تغییر در بهره‌گیری از آن را برای خود و هم پیمانان و متحدان و بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی را بازتعریف می‌کند. جهان با پدیده آگاهی و رشد دانش و دانایی روبروست. نقش انقلاب انفورماتیک در زمانه انفجار اطلاعات توانسته است آگاهی خودبنیادی برای تجلی بلوغ افکار عمومی را به همراه داشته باشد. لذا می‌توان مدعی بود که تاثیر و نفوذ قدرت هوشمند و یا قدرت نرم با توپ و تانک و جنگ افزارهای پیشرفته الزاما به دست نمی‌آید. این جاست که مشروعیت قدرت به توانمندی حرفه‌ای و تاثیرگذاری حداکثری بدون توسل به زور پدیدار می‌شود. افکار عمومی زمانی می‌تواند شکل بگیرد که قدرت هوشمند در ایجاد منطق آگاهی عمومی مردم در ترسیم اولویت‌ها و درک منافع ملی و سره از ناسره را کاملاً از دل و جان بتواند بدون کمترین هزینه جا بیندازد. مشروعیت قدرت هوشمند از این خودانگیزی‌ها و خودآگاهی‌ها به دست می‌آید و حتی مشروعیت در مدیریت هزینه‌ها هم کارسازی می‌شود. استراتژی نظامی صرف، نه تنها کارایی ندارد بلکه در قدرت هوشمند نیز کاربرد هم نخواهد داشت. اگر وقوع جنگ‌ها را با توجیه قدرت فزاینده نظامی طی دو دهه گذشته به مثابه یک صحنه تئاتر ارزیابی کنیم حتی قدرت سخت به رغم برتری نظامی الزاما نتوانسته به کلیه اهداف خود دسترسی پیدا کند و اهداف صددرصدی خود را تامین کند و صحنه این تئاتر و نتیجه این درام جز نتیجه ای تراژیک نبوده است. باید پذیرفت دینامیزم افکار عمومی و شکل دهی به آن، مشروعیت سازی یک هدف با استراتژی مشخص، دغدغه و کارکرد اصلی قدرت هوشمند است (تولایی، ۱۳۸۷).

قدرت هوشمند پاسخی است به ناکامی‌هایی که در مولفه قدرت نرم و قدرت سخت در گذار و گذر زمان تجربه شده است. در تامین نگاه حداکثری به منافع ملی، قدرت هوشمند با اهدافی وسیع تر و گام‌هایی عمیق تر به ژرفای استراتژی ارائه شده و دامنه نفوذ تاثیرگذاری جهان پیرامون خود توجه می‌کند و تلاش می‌کند تا عملکرد و راهبرد

خود را با منطقی که قدرت هوشمند می‌پسندد، توجیه کند. در برخی باورها قدرت مطلق تلقی می‌شود. آن هنگام که قدرت توان تاثیر و تاثر را داشته باشد و بتواند رفتار دیگران را بر حسب امیال و منویات ایدئولوژیک توانایی‌ها خود تغییر دهد، اگرچه با فریب و عملیات روانی، می‌توان آن را به عنوان قدرت هوشمند تعبیر کرد.

زیرساخت قدرت هوشمند را "عقلانیت ماهوی" تشکیل می‌دهد، در حالیکه قواعد و قالب‌های قدرت سخت افزاری را "عقلانیت ابزاری" و همچنین قدرت نرم افزاری را می‌توان در نشانه‌هایی از "عقلانیت ارتباطی" مورد ملاحظه قرارداد. در چنین وضعیتی، قدرت هوشمند زمانی شکل می‌گیرد که عقلانیت ماهوی بتواند زمینه‌های کنترل عقلانیت ارتباطی و عقلانیت ابزاری را فراهم کند (متقی، ۱۳۸۷).

قدرت هوشمند سه ابزار مهم دارد که عبارتند از توسعه، دیپلماسی و دفاع. البته برخی نیز معتقدند که منابع قدرت هوشمند شامل دیپلماسی، اقتصاد، عوامل نظامی، سیاسی و ابزارهای فرهنگی است (مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌الملل آمریکا، ۲۰۰۷).

کشوری که از قدرت هوشمند استفاده می‌کند، برای بالابردن ضریب اعتبار از یک سو و نیز همراهی با افکار عمومی داخلی و خارجی، باید سعی کند نقاط منفی خود را، که قبل از این اتفاق افتاده، به هر نحوی از بین ببرد تا بتواند اعتماد کشور مقابل و افکار عمومی و باورپذیری آنها را بدست آورد. اجرا و پیاده نمودن قدرت هوشمند در راهبردهای دولت‌ها نیازمند این است که کشور مجری از اقتدار و قدرت سخت افزاری و نرم افزاری بالایی برخوردار باشد. این توانایی در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و به ویژه نظامی باید به صورت روشن و ملموس نشان داده شود.

دولت انگلستان را می‌توان نمونه‌ای از دولت‌هایی دانست که در صدد بهره‌گیری از قدرت هوشمند است. به نظر می‌رسد دولت جدید انگلستان برای رویارویی با چالش‌های کنونی و آینده پیش رو، نسبت به تلفیق قدرت سخت و نرم برای ایجاد قدرت هوشمند تلاش خواهد کرد. با توجه به تفاوت‌های بسیار مهم کاربرد قدرت تهاجمی و تدافعی، قدرت هوشمند، موضوع کاربرد محتوای تهاجمی و تدافعی قدرت در شرایط مختلف است. قدرت در چنین شرایطی ماهیت موثرتری داشته و قابلیت لازم برای مقابله با تهدیدها را پیدا می‌کند. این امر را می‌توان روح قدرت و کاربرد آن در محیط پر تلاطم عصر جدید دانست. یک سیاست موفق، نیازمند تلفیق قدرت سخت و قدرت نرم است. ترکیب این دو ابزار به طوری که بیشتر تقویت شوند تا تضعیف، در جهت موفقیت بسیار تعیین کننده است. در جهان امروز زمینه‌های قدرت تا حد زیادی متفاوت از قدرت نظامی، اقتصادی و مسائل فراملی است، امروزه تعداد اندکی پذیرای راه حل‌های صرف نظامی جهت مقابله به تهدیدهایی همچون تروریسم فراملی و جهانگیر هستند. از این رو تنها راه دست و پنجه نرم کردن با این مسائل از طریق مشارکت با دیگران و نیز نیازمند قدرت هوشمند است، که جاذبه قدرت نرم را با اجبار قدرت سخت ترکیب می‌کند (آشنا، ۱۳۹۰).

تحلیل ساختاری با استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل

تحلیل اثر متقابل، روشی برای تشخیص روابط متقابل دو سامانه است. به طوری که تأثیر هر روند بر روندهای دیگر درجه بندی می‌شود. به عبارت دیگر تحلیل اثر متقابل، یک روش نیمه کمی است که در آن، به جای روابط علت - معلولی ساده، روابط متقابل بین خرده سامانه‌های مختلف، در یک ماتریس، تحلیل می‌شوند. تحلیل اثر متقابل، به

عنوان یک ابزار تحقیقاتی در مورد آینده، نقش شاخص یک متغیر را در ارتباط با سایر متغیرهای درون یک سامانه آشکار ساخته و آن دسته از متغیرهایی که نقش مهم و معناداری در توسعه سامانه در آینده ایفا می‌کنند را شناسایی می‌کند. اطلاعاتی که این روش تأمین می‌کند، تصویری از اثر متقابل بین روندها و متغیرها باهمان درجه اهمیت است. در واقع، تصویری است از این که چه چیز وابسته و چه چیز مستقل است، چه چیز پیشران و چه چیز توسط امور دیگر پیش‌برده می‌شود. همچنین، روش تحلیل اثر متقابل در شناسایی متغیرها و روندهای کلیدی بسیار مفید است. ویژگی مهم برای یک متغیر، داشتن ارتباط قوی با سامانه است که با تعداد و شدت این ارتباطات سنجیده می‌شود. متغیرهایی که چنین ویژگی دارند، متغیرهای کلیدی نامیده می‌شوند. از آنجایی که هرگونه تغییر در متغیرهای کلیدی، کل سامانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باید در آینده بیشتر مورد توجه قرار گیرند (Asan, 2007).

تحلیل تأثیر متقابل به هنگام تحلیل کیفی مسائل پیچیده، ابزار بسیار سودمندی است. پس از انتخاب تعدادی پیشران یا عامل تغییر، نوبت به ترکیب آن‌ها می‌رسد. در اینجا نیاز به استدلالی کیفی است بر حسب این که اگر این اتفاق یا آن اتفاق رخ دهد چه خواهد شد؟ این اتفاق به چه رویدادهایی منجر می‌شود و چه چیزی می‌تواند آن را تا آن نقطه پیش‌برد. ساده‌ترین راه برای انجام این کار، ترکیب نظام‌مند دو عامل در یک زمان و افزودن دیگر عوامل، در ترکیب‌های مناسب است. نتیجه این فرایند، پیدایش چندین سناریو خواهد بود که در آن توالی وقوع رویدادها بر اساس تنظیمات ارزش‌های روندها صورت خواهد گرفت. این توانایی، الگوی تعاملی اثر متقابل را به تکنیکی برای تحلیل اکتشافی تبدیل می‌کند (همان).

روش تحلیل اثر متقابل، ذاتاً یک روش ترکیبی یا آمیخته است. محقق بایستی در شناسایی فهرست اولیه عوامل کلیدی، علاوه بر مطالعات گسترده کتابخانه‌ای، از یکی از روش‌های مصاحبه، پانل و یا دلفی استفاده نماید که هر کدام از این روش‌ها نیاز به توانایی‌های خاص خود دارند. بنابراین پژوهشگر باید با روش‌های تحقیق کیفی، نحوه نمونه‌گیری و چگونگی اندازه‌گیری روایی و پایایی این روش‌ها آشنایی داشته باشد (برای مثال ممکن است برای تهیه لیست اولیه از متغیرهای کلیدی از روش دلفی و یا پانل خبرگان استفاده شود و متغیرهای کلیدی شناخته شده توسط این روش نهایتاً در برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو مورد استفاده قرار گیرند). همچنین، تشکیل ماتریس اثر متقابل نیاز به یک جلسه پانل خبرگان دارد که مدیریت جلسه و تشویق خبرگان به اظهارنظر، کاملاً به دانش و توانایی محقق وابسته است.

آینده‌نگاری از بخش‌های مهم برنامه‌ریزی است و با پیچیده شدن روابط بین پدیده‌ها، تحلیل آن مشکل شده است. بنابراین به نرم‌افزارهایی نیاز است تا این کار را ساده نمایند. در مطالعات آینده پژوهی و سناریو نویسی به طور معمول پژوهشگر با حجم زیادی از داده‌ها سر و کار دارد؛ به طوری که انجام محاسبات پیچیده به صورت دستی و سنتی کاری طاقت فرسا و وقت گیر و گاه ناممکن است. بنابراین به کارگیری یک نرم‌افزار مناسب می‌تواند تجزیه و تحلیل داده‌ها را آسان کند. به منظور تحلیل ماتریس اثر متقابل تشکیل شده می‌توان از نرم‌افزار میک‌مک استفاده کرد. این نرم‌افزار خروجی‌های مختلفی را از اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر ارائه می‌دهد و در نهایت می‌توان با استفاده از آن متغیرهای کلیدی آینده را شناسایی کرد (مولایی و طالبیان، ۱۳۹۵).

برای استفاده از روش تحلیل تأثیر متقابل در این تحقیق، گام‌های زیر طی شده است:

۱- تهیه فهرست پیش‌ران‌ها یا متغیرها به عنوان روندهایی با جهت‌های معین

۲- تهیه ماتریس قطری n در n به تعداد پیش‌ران‌ها (روندها)

۳- قضاوت در مورد این‌که روند A تا چه حد بر روند B تأثیر خواهد داشت. این تأثیر معمولاً با عددی در مقیاس صفر تا ۳ مشخص می‌شود. به طوری‌که عدد صفر بدون تأثیر، عدد ۱ تأثیر کم، عدد ۲ تأثیر متوسط و عدد ۳ تأثیر زیاد را نشان می‌دهد.

۴- جمع‌بندی نتایج. در این جمع‌بندی، جمع هر ردیف میزان قدرت پیش‌برندگی متغیر را نشان می‌دهد؛ این بدان معناست که این متغیر تا چه اندازه متغیرهای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جمع هر ستون، سطح وابستگی هر متغیر را نشان می‌دهد.

۵- رسم روندها (متغیرها) بر روی یک نمودار. این نمودار طوری است که وابستگی را در یک محور و پیش‌رانی را در محور دیگری نشان می‌دهد.

نتایج

نتایج آینده‌پژوهی و ارائه سناریو بر اساس تحلیل تأثیرات متقابل

نتایج ارائه شده در این بخش، بر اساس خروجی‌های نرم‌افزار Micmac V.5.3 است. همانطور که پیش از این بیان شد؛ ابتدا باید متغیرهای مسئله به صورت سناریو به مدل وارد شوند. پارامترهای محاسباتی در این تحقیق عبارتند از:

۱. ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI): ماتریس تأثیرات مستقیم، روابط مستقیم بین متغیرهای یک سامانه را توصیف می‌کند. در واقع، شدت روابط، بر اساس طیف زیر تعیین می‌شود. نحوه پرکردن جدول مربوط به این ماتریس، بدین شکل است که کارشناسان در جلسات هم‌اندیشی میزانی را برای تأثیر متقابل هریک از متغیرها در نظر می‌گیرند. ۲. ماتریس تأثیرات مستقیم بالقوه (MPDI): ماتریس‌ها تأثیرات مستقیم بالقوه، نشان دهنده تأثیرات فعلی و بالقوه و نیز وابستگی‌های بین متغیرهاست. در واقع، این ماتریس، ماتریس MDI را با توجه به روابط آینده که قابل پیش‌بینی هستند؛ تکمیل می‌کند. ماتریس MPDI از ماتریس MDI آینده نگرتر به نظر می‌رسد و برای پیش‌بینی آینده مناسب‌تر است.

در نرم‌افزار MICMAC به طور معمول دو تحلیل ساختاری انجام می‌شود. اولین اقدام با شروع از ماتریس MDI انجام می‌گیرد که فقط شامل روابط کنونی میان متغیرها است. اقدام دوم با ماتریس MPDI انجام می‌گیرد که شامل روابط کنونی و بالقوه است. مقایسه خروجی‌ها به درک چگونگی تغییر سامانه تحت تأثیر روابط بالقوه بین متغیرها کمک می‌کند. به طور پیش‌فرض، ماتریس‌های MDI و MPDI یکسان هستند.

سناریوهای تعریف شده در مدل

مدل تحلیلی روابط فی مابین ایران و کشور انگلستان، باید به شکلی توسعه پیدا کند که ویژگی‌های قدرت و فرهنگ، تحت سناریوهای مختلف، منعکس شود. این سناریوها تحت قالب پرسش‌نامه توسط مدیران و کارشناسان ارشد در زمینه روابط بین‌الملل تکمیل شدند. نتایج حاصل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها در قالب ماتریس تهیه و در محیط نرم‌افزار

Micmac آورده شده است (جدول ۱ و ۲). قابل ذکر است که در این تحقیق، دو مجموعه سناریو در نظر گرفته شده است. مجموعه اول مربوط به پارامتر قدرت و مجموعه دوم مربوط به پارامتر فرهنگ است.

جدول ۱ - ابعاد مؤثر در پارامتر قدرت (نویسندگان، ۱۳۹۸)

نام متغیر در مدل	گوپه	ابعاد مؤثر
m1	قدرت هسته ای، میزان پیشرفت و دسترسی ایران به چرخه غنی سازی	قدرت نظامی (Walker & Malici, 2016)
m2	توانمندی و پیشرفت در حوزه صنایع هوا فضا علی الخصوص برنامه موشکی ایران	
m3	عداد نیروها و صنایع نظامی نظیر تانک‌ها، هلیکوپترهای جنگی، هواپیماهای جنگی، ناوهای جنگی، و زیردریایی‌ها و نقش آنها در مقوله بازدارندگی	
pl1	اعمال مدیریت سیاسی کارکردگرا و بازنگری در دکترین سیاست خارجی بعثت پراکندگی قدرت؛ (پراکندگی قدرت: یکی از مهم ترین کلان روندهای جهانی است که منجر به توزیع گسترده تر قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی در جهان شده است که معلول انتقال ثروت و قدرت از غرب به شرق و در یک کلام پیدایش قدرت‌های نوظهور نظیر چین و هند می‌باشد)	قدرت سیاسی - حقوقی (Marsh, 2003)
pl2	حرکت به سمت استفاده از رژیم‌های جدید حقوقی و موافقتنامه‌های نسل جدید بین المللی نظیر برجام، لوائح ۴ گانه، توافق محیط زیستی پاریس و به طور کلی بهره مندی از سازوکار نهادها و سازمان‌های بین المللی	
e1	اعمال سیاست امنیت انرژی و استفاده از سلاح نفت؛ (بعثت مطرح بودن موضوع استقلال انرژی انگلستان، علی الخصوص اشکال غیرمتعارف نفت نظیر نفت شیل از یک سو و گسترش بی ثباتی و استفاده از سلاح نفت در کشورهای حوزه خلیج فارس و کاهش ناگهانی عرضه نفت و افزایش بها در بازارهای جهانی)	قدرت اقتصادی (Beckley, 2012)
e2	بازطراحی و برنامه‌ریزی مجدد دکترین اقتصادی وفق شرایط جدید اقتصاد سیاسی کشور بعد از انقلاب ۵۷ و تلاش در جهت افزایش شاخص‌های GDP (تولید ناخالص داخلی) و GNP (تولید ناخالص ملی) و تاسیس شرکت‌های چندملیتی	
e3	افزایش توان اقتصادی و تولیدی و گسترش و رفع موانع تجارت بین الملل	
si1	ارتقاء سطح امنیت ملی از طریق حل و فصل مسائلی مانند سیاست زدگی بیش از حد، عدم اجماع نخبگان فکری در مورد شرایط داخلی و جهانی کشور، ایده آل‌یسم افراطی، پوپولیسم، اولویت ندادن به منافع ملی به ویژه منافع ملی اقتصادی و الگوبرداری نادرست از شیوه‌های فرهنگی - اقتصادی کشورهای توسعه یافته	امنیت و اطلاعات (Herrington & Aldrich, 2013)
si2	افزایش اعتماد عمومی به دولت و حاکمیت، ایجاد انسجام، حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی از طریق تزریق رضایت به آحاد جامعه و افزایش کارآمدی قوانین و منابع انسانی و جلب حمایت واقعی مردمی	
si3	حداکثرسازی قدرت اقتصادی و نظامی بعنوان دو شاخص اصلی تهدیدات امنیت خارجی ایران، ناشی از تحریم‌های بین المللی بعنوان راهبرد اصلی در عادی سازی روابط فی مابین و انجام مذاکرات برابر و همسطح	
itc1	کسب مهارت بالا در بکارگیری رسانه‌های الکترونیک و فضای مجازی، فهم و شناخت مناسبات نوین در عرصه دیپلماسی، درک عمیق از پویایی‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در سپهر سیاست بین الملل	فناوری اطلاعات و سایبر (Rowland et al., 2006)
itc2	گسترش سایبر دیپلماسی (دیپلماسی مجازی) و تبدیل اطلاعات دیپلماتیک از Intelligence (اطلاعات سری) به Information (اطلاعات آشکار) و برقراری ارتباط مؤثر با مخاطبان عمومی و ایجاد شفافیت	
itc3	افزایش قدرت و توان دفاع سایبری، شناخت چالش‌های امنیت سایبری و تدوین استراتژی و سیاست سایبری؛ (در فضای اطلاعاتی امروزی بیشتر فعالیت‌های Power Based (انرژی مدار)، اعم از فرهنگی، اقتصادی، دیپلماتیک، اجتماعی و ... در فضای سایبر بعنوان شبکه وابسته به زیرساخت فناوری اطلاعات مطرح می‌باشند)	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۲ - ابعاد مؤثر در پارامتر فرهنگ (نویسندگان، ۱۳۹۸)

نام متغیر در مدل	گوپه	ابعاد مؤثر
I1	تحلیل گفتمان؛ (باتوجه به نقشی که زبان در ساختار قدرت ایفا می کند و چه بسا ممکن است زبان یک گروه به ایدئولوژی حاکم تبدیل شود و همچنین موضع یک طرف را نسبت به طرف دیگر تعیین کند)	زبان
I2	توجه به پدیده زبان، زیانشناسی و تحلیل گفتمان؛ (با توجه به اهمیتی که هم اکنون در سازمان‌های بین المللی و کردارهای دیپلماتیک برای زبان قائل هستند)	
I3	تلاش برای ایجاد دگرگونی در روابط و سیاست خارجی از طریق زبان قابل فهم برای دیگران و درچارچوب فهم بین الادهانی	تاریخ، تمدن و هنر (Wells, 1999)
hca1	تبادل و اشتراک میراث هنری از جمله سینما، موسیقی، هنرهای نمایشی و صنایع دستی و گردشگری از طریق بهره مندی از فناوری‌های نوین در حوزه IT و ICT از جمله اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره ای و رسانه‌های جهانی و در یک کلام ایجاد ائتلاف‌های فرهنگی	
hca2	تاکید بر اشتراکات و فصل مشترک‌های فرهنگی؛ (تفاوت‌های فرهنگی در سراسر تاریخ، شالوده و اساس رفتار انسان و دولت‌ها را تشکیل داده است)	

hca3	احیای گفتگوی فرهنگ‌ها و مهندسی و تبلیغ تمدن نوین اسلامی	
s1	افزایش همکاری‌های آکادمیک بین المللی بعنوان یکی از راههای افزایش قدرت	همکاری‌های علمی، آموزشی و دانشگاهی
s2	حل و فصل مسائل مشترک بین المللی از طریق مبادلات و همکاری‌های علمی و فنی	
s3	ارائه خدمات انسان دوستانه ی فناورانه بعنوان وجه مهم کارکردی دیپلماسی علمی و فناوری	
d1	بکارگیری دیپلماسی فرهنگی کارآمد و مهندسی شده از طریق نزدیک شدن به افکار و اذهان ملت‌ها	دیپلماسی
d2	توسعه دیپلماسی عمومی	
d3	بهره مندی از دیپلماسی رسانه ای و دیپلماسی میان فرهنگی با رویکرد تنش زدایی بین مردم دو کشور و سپس القاء آن توسط مردم و افکار عمومی به رهبران دو کشور	
vn1	نفوذ فرهنگی بعنوان نظامی از ارزش‌ها، اعتقادات و آداب مشترک افراد اجتماع؛ (که از طریق آن به جهان خود معنا می دهند)	ارزش‌ها و هنجارها
vn2	تأثیر، تاجر و نفوذ بر اندیشه و رفتار سیاست مداران از طریق شناخت و تغییر باورها، اسطوره‌ها، قواعد و هنجارها توجه به عناصر هنجاری، ارزشی	
vn3	(روابط فی مابین دو کشور عمدتاً بر اسطوره‌ها، فرهنگ و ایدئولوژی متکی است. به عبارت دیگر بدون توجه به این مهم نمی توان به دکترین سیاست خارجی معقول نائل آمد.)	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

بعد از وارد کردن مقادیر مربوط به ارتباط هر دو متغیر باهم، ماتریس MDI تشکیل شد. بر اساس این ماتریس، میزان وجود تأثیرات اندازه‌گیری می‌شود. سپس، با تبدیل ماتریس MDI (که ماتریس تأثیرپذیری مستقیم شاخص‌ها است) به ماتریس بالقوه با تبدیل کدهای ۳ به ۲، ماتریس تأثیرپذیری مستقیم بالقوه شاخص‌ها یعنی ماتریس MPDI تهیه شد. تحلیل اولیه داده‌های ماتریس MDI برای پارامتر قدرت در جدول ۳ ارائه شده است. منظور از تعداد تکرار در این جدول، تعداد اجرا شدن برنامه برای رسیدن به پایداری است. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان پرشدگی یا وجود تأثیرات، بیش از ۹۲ درصد است که نشان می‌دهد بیش از ۹۲ درصد از عوامل انتخاب شده بر همدیگر تأثیر داشته‌اند و ۱۸۲ رابطه قابل ارزیابی وجود دارد. همچنین جدول ۴، این داده‌ها را برای پارامتر فرهنگ نشان می‌دهد. همانطور که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان پرشدگی یا وجود تأثیرات، بیش از ۸۸ درصد است که نشان می‌دهد بیش از ۸۸ درصد از عوامل انتخاب شده بر همدیگر تأثیر داشته‌اند و ۲۰۰ رابطه قابل ارزیابی وجود دارد.

جدول ۳- تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل مستقیم (MDI) برای پارامتر قدرت

متغیرها	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	P	جمع	درصد پرشدگی
مقدار	۱۴*۱۴	۳	۱۴	۶۲	۱۰۹	۱۱	۰	۱۸۲	۹۲/۸۶

جدول ۴- تحلیل اولیه داده‌های ماتریس اثرات متقابل مستقیم (MDI) برای پارامتر فرهنگ

متغیرها	ابعاد ماتریس	تعداد تکرار	تعداد صفرها	تعداد یک	تعداد دو	تعداد سه	P	جمع	درصد پرشدگی
مقدار	۱۵*۱۵	۳	۲۵	۳۵	۱۶۴	۱	۰	۲۰۰	۸۸/۸۹

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

علاوه بر این ماتریس، بر اساس شاخص‌های آماری با ۳ بار چرخش داده‌ای، نتایج از مطلوبیت و بهینه‌شدگی ۱۰۰ درصد برخوردار بوده است (جدول ۵). این امر نیز روایی بالای پرسش‌نامه و پاسخ‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۵ - درجه مطلوبیت و بهینه‌شدگی ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI)

چرخش	درصد تأثیرگذاری برای پارامتر قدرت	درصد تأثیرپذیری برای پارامتر قدرت	درصد تأثیرگذاری برای پارامتر فرهنگ	درصد تأثیرپذیری برای پارامتر فرهنگ
۱	۹۰	۹۱	۹۲	۹۲
۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

در ماتریس متقاطع، جمع اعداد سطرهاى هر عامل، میزان تأثیرگذاری و جمع ستون، میزان تأثیرپذیری هر عامل از عوامل دیگر را نشان می دهد (جدول ۶ و ۷).

جدول ۶- مجموع مقادیر ردیف و ستون هر متغیر بر اساس خروجی Micmac برای پارامتر قدرت (برای ماتریس MDI)

متغیر	ابعاد مؤثر	ردیف	مجموع مقادیر ردیف (تأثیرگذاری)	مجموع مقادیر ستون (تأثیرپذیری)	تحلیل
قدرت نظامی	m1	20	21	تأثیرپذیر	
	m2	20	26	تأثیرپذیر	
	m3	20	20	برابر	
قدرت سیاسی - حقوقی	pl1	26	27	تأثیرپذیر	
	pl2	26	24	تأثیرگذار	
قدرت اقتصادی	e1	21	22	تأثیرپذیر	
	e2	21	21	برابر	
	e3	22	23	تأثیرپذیر	
امنیت و اطلاعات	si1	25	23	تأثیرگذار	
	si2	22	23	تأثیرپذیر	
	si3	27	25	تأثیرگذار	
فناوری اطلاعات و سایر	itc1	19	19	برابر	
	itc2	26	18	تأثیرگذار	
	itc3	18	21	تأثیرپذیر	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

جدول ۷- مجموع مقادیر ردیف و ستون هر متغیر بر اساس خروجی Micmac برای پارامتر فرهنگ (برای ماتریس MDI)

متغیر	ابعاد مؤثر	ردیف	مجموع مقادیر ردیف (تأثیرگذاری)	مجموع مقادیر ستون (تأثیرپذیری)	تحلیل
زبان	l1	25	25	تأثیرگذار	
	l2	25	22	تأثیرگذار	
	l3	26	24	تأثیرپذیر	
تاریخ، تمدن و هنر	hca1	26	18	تأثیرگذار	
	hca2	25	23	تأثیرگذار	
	hca3	23	29	تأثیرپذیر	
همکاری‌های علمی، آموزشی و دانشگاهی	s1	24	23	تأثیرگذار	
	s2	25	25	تأثیرگذار	
	s3	24	23	تأثیرپذیر	
دیپلماسی	d1	23	28	تأثیرپذیر	
	d2	23	25	تأثیرپذیر	
	d3	25	23	تأثیرگذار	
ارزش‌ها و هنجارها	vn1	25	28	برابر	
	vn2	23	28	تأثیرپذیر	
	vn3	24	22	تأثیرگذار	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

برای درک بهتر میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری عوامل از گراف استفاده می شود. نمایش آن‌ها در قالب نمودار مفهومی با محور مختصات (تأثیرگذاری- تأثیرپذیری) است. شکل ۱ و ۲ موقعیت شاخص‌های مورد ارزیابی را در تحلیل تأثیرات مستقیم در مورد متغیرهای قدرت و فرهنگ نشان می دهد.

شیوه توزیع و پراکنش متغیرها در صفحه پراکندگی (نمودار مفهومی)، میزان پایداری و یا ناپایداری سیستم را نشان می دهد. در روش تحلیل اثرات متقابل با استفاده از نرم افزار Micmac، در مجموع نوع از پراکنش تعریف شده است که به نام سیستم-های پایدار و سیستم‌های ناپایدار معروف هستند. در سیستم‌های پایدار، پراکنش متغیرها به صورت L انگلیسی است. یعنی

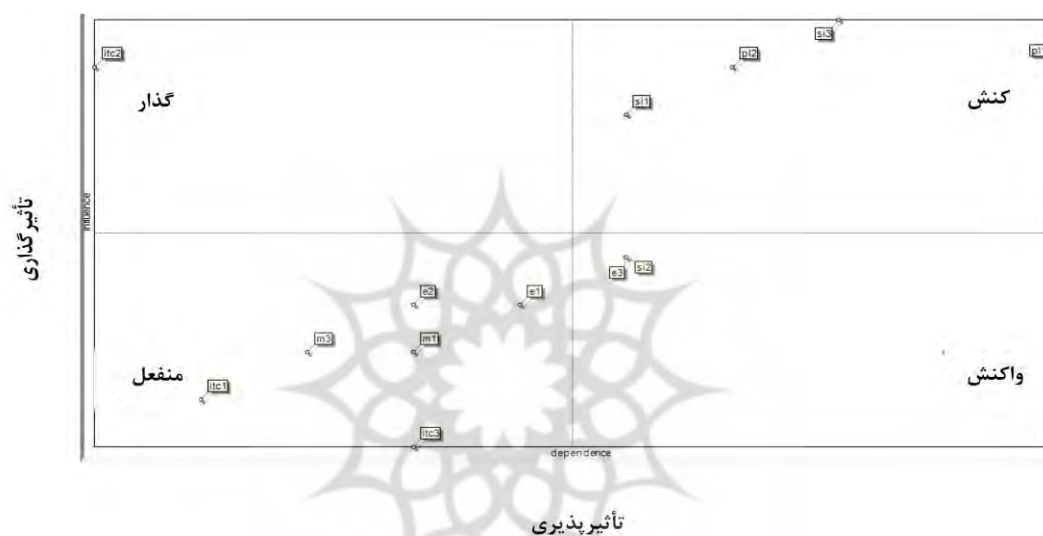
برخی متغیرها دارای تاثیرگذاری بالا و برخی دارای تاثیرپذیری بالا هستند. در سیستم‌های پایدار سه دسته متغیر مشهود هستند:

۱. متغیرهای بسیار تاثیرگذار بر سیستم (عوامل کلیدی)

۲. متغیرهای مستقل

۳. متغیرهای خروجی سیستم (متغیرهای نتیجه)

در این سیستم، جایگاه هریک از عوامل کاملا مشخص و نقش آنها نیز به وضوح قابل ارائه است. در مقابل، در سیستم‌های ناپایدار، وضعیت پیچیده‌تر از سیستم‌های پایدار است. در این سیستم، متغیرها در حول محور قطری صفحه پراکنده هستند و متغیرها در بیشتر مواقع حالت بینابینی از تاثیرگذاری و تاثیرپذیری را نشان می‌دهند که ارزیابی و شناسایی عوامل کلیدی را بسیار مشکل می‌نماید (Gudet et al., 2003).



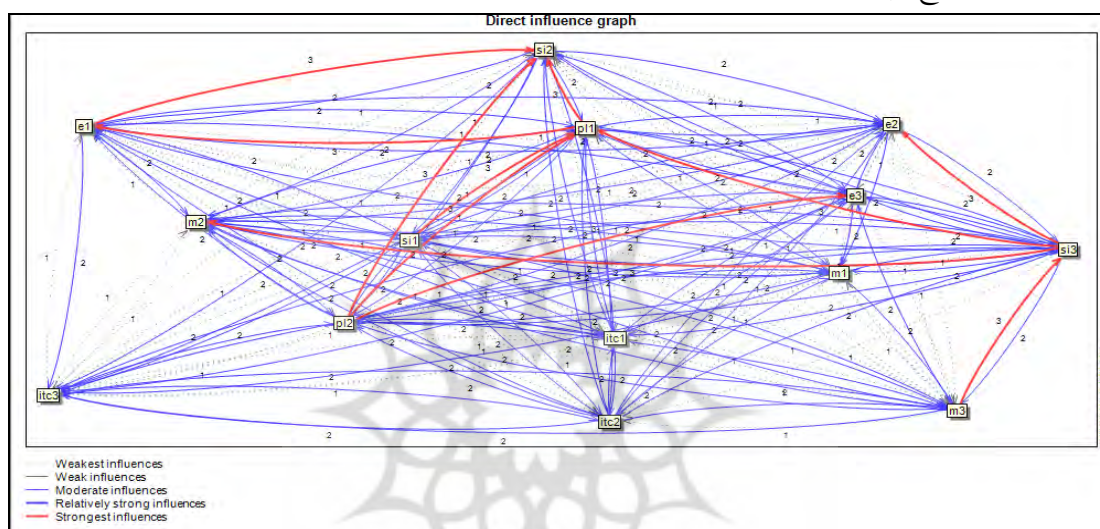
شکل ۱- پراکنش متغیرها در پلان تاثیرگذاری و تأثيرپذیری ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) برای پارامتر قدرت منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸



شکل ۲- پراکنش متغیرها در پلان تاثیرگذاری و تأثيرپذیری ماتریس تأثیرات مستقیم (MDI) برای پارامتر قره‌نگ منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸
بر اساس شکل‌های ۱ و ۲، متغیرهایی که در محدوده کنش قرار دارند دارای بیش‌ترین نفوذ و تأثيرپذیری هستند.

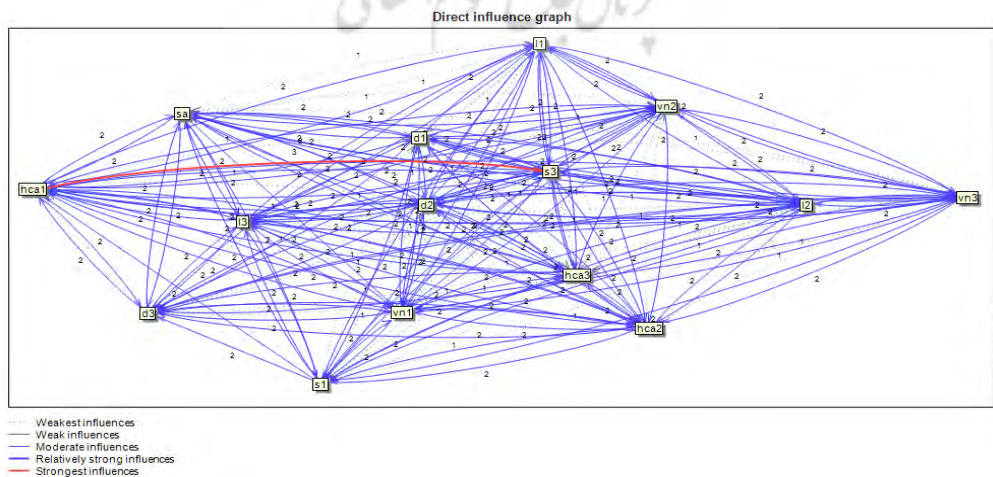
درواقع، به این متغیرها، متغیرهای پیوندی گفته می‌شود که هم نفوذ و هم وابستگی بالایی دارند و هر تغییری در آنها منجر به تغییر در سایر متغیرها می‌شود. همچنین، متغیرهایی که در محدوده گذار قرار دارند، دارای بیش‌ترین نفوذ و کم‌ترین تأثیرپذیری هستند. به این متغیرها، متغیرهای مستقل گفته می‌شود. شایان ذکر است که متغیرهای مستقل و پیوندی، از نفوذ بالایی برخوردار هستند. متغیرهایی که در محدوده واکنش قرار دارند، دارای بیش‌ترین تأثیرپذیری و کم‌ترین تأثیرگذاری هستند. به این متغیرها، متغیرهای وابسته گفته می‌شود. متغیرهایی که در محدوده منفعل قرار دارند، دارای کم‌ترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هستند. به این متغیرهای خودمختار گفته می‌شود.

با توجه به تعریف پایداری و ناپایداری ارائه شده در فوق، پراکنش متغیرهای مربوط به پارامتر قدرت و فرهنگ، به صورت قطری و درواقع ناپایدار هستند.



شکل ۳- تأثیرات مستقیم بین شاخص‌ها و روابط بین آنها (طیف ضعیف‌ترین تغییرات تا قوی‌ترین تأثیرات) در پارامتر قدرت منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸

در شکل ۳، تأثیرات ابعاد پارامتر قدرت بر یکدیگر نشان داده شده است. همانطور که در این گراف مشخص است، تأثیرات بسیار ضعیف با نقطه چین آبی، تأثیرات ضعیف با خط مشکی، تأثیرات متوسط با خط آبی، تأثیرات به نسبت قوی با خط پررنگ آبی و تأثیرات بسیار قوی با خط قرمز نشان داده شده است. همچنین در شکل ۴ به همان صورت، تأثیرات ابعاد پارامتر فرهنگ بر یکدیگر نشان داده شده است.



شکل ۴- تأثیرات مستقیم بین شاخص‌ها و روابط بین آنها (طیف ضعیف‌ترین تغییرات تا قوی‌ترین تأثیرات) در پارامتر فرهنگ منبع: نویسندگان، ۱۳۹۸

از آنجا که رویکرد سیاست خارجی ج.ا.ایران در قبال کشور انگلستان، در جهت تغییر وضعیت موجود در نظام بین الملل است؛ مقاومت در برابر قدرت‌های بین‌المللی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست خارجی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. از همین‌رو، از میان کل متغیرهای اثرگذار بر روابط ج.ا.ایران با انگلستان، در قالب دو پارامتر قدرت و فرهنگ، برخی از آنها بصورت مستقیم با امنیت ج.ا.ایران در ارتباط هستند و برخی دیگر، به صورت غیرمستقیم بر امنیت ملی کشور اثرگذاری دارند. قابل ذکر است که برخی از متغیرهای ذکر شده، ظرفیت تبدیل شدن به تهدید در سطوح مختلف علیه حاکمیت ج.ا.ایران را دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پیش از تحلیل نهایی نتایج و بیان نتیجه این کار، ذکر این نکته ضروری است که آنچه بررسی عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران با انگلستان را در این پژوهش با سایر پژوهش‌های دیگری که در این زمینه انجام شده است، متمایز می‌سازد؛ تجزیه و تحلیل نظام‌مند روابط اثرگذاری و اثرپذیری تک تک عوامل بر روی همدیگر با در نظر گرفتن جغرافیای سیاسی ایران است، بطوری که علاوه بر تأثیرگذاری مستقیم هر عامل بر دیگر عوامل، تأثیرگذاری غیرمستقیم عوامل نیز بر همدیگر مورد محاسبه قرار گرفته و در نهایت، قالب الگوی روابط بین عوامل و متغیرها به تفکیک پارامترهای قدرت و فرهنگ مشخص شده است.

ترکیب پیچیده‌ای از متغیرها در اتخاذ انواع سیاست‌های خارجی هر دولت، موثر است. متداول‌ترین دیدگاه که دربرگیرنده و تجمیع‌کننده این عوامل و متغیرها است، نظریه واقع‌گرایی نئوکلاسیک است. این چارچوب نظری به دلیل عاملیت بخشی موثر به نقش متغیرهای سطح داخل در شکل دهی به سیاست داخلی ایران، فهم بهتری از سیاست خارجی بدست می‌دهد. از این‌رو، بررسی نقش متغیرهای سطح داخل کشور از جمله قدرت و فرهنگ، در متاثر ساختن روند سیاست خارجی ایران، با در نظر گرفتن نقش جغرافیای سیاسی ایران، قابلیت پژوهش یافته است. با توجه به توافق هسته‌ای صورت گرفته میان کشورهای ۱+۵ در سال ۱۳۹۴، می‌توان از جنبه‌های مختلف، آینده مناسبات ایران و انگلستان را پیش‌بینی کرد. در این تحقیق، روابط ایران و انگلستان از دو منظر قدرت و فرهنگ مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی با دیدگاه آینده‌پژوهی و بررسی سناریوهای محتمل بر روابط این دو کشور صورت گرفته است.

با توجه به نتایج بدست آمده، در خصوص شاخص‌های موثر بر روابط ایران و انگلستان از منظر پارامتر قدرت، قدرت نظامی نقش مهمی را ندارد اما اعمال مدیریت سیاسی کارکردگرا و بازنگری در دکترین سیاست خارجی به علت پراکندگی قدرت و همچنین حرکت به سمت استفاده از رژیم‌های جدید حقوقی و موافقتنامه‌های نسل جدید بین‌المللی نظیر برجام، لوایح ۵گانه، توافق محیط زیستی پاریس و به طور کلی بهره‌مندی از سازوکار نهادها و سازمان‌های بین‌المللی از شاخص‌های مهم و اثرگذار قدرت سیاسی - حقوقی بر روابط ایران و انگلستان است. در حوزه امنیت و اطلاعات از منظر پارامتر قدرت، شاخص‌های ارتقاء سطح امنیت ملی از طریق حل و فصل مسائلی مانند سیاست‌زدگی بیش از حد، عدم اجماع نخبگان فکری در مورد شرایط داخلی و جهانی کشور، ایده‌آلیسم افراطی، پوپولیسم، اولویت ندادن به منافع ملی بویژه منافع اقتصادی و الگوبرداری نادرست از شیوه‌های فرهنگی - اقتصادی کشورهای توسعه یافته و همچنین حداکثرسازی قدرت اقتصادی و نظامی به عنوان شاخص اصلی تهدیدات

امنیت خارجی ایران، ناشی از تحریم‌های بین‌المللی به عنوان راهبرد اصلی در عادی سازی روابط فی مابین و انجام مذاکرات برابر و همسطح، بر روابط ایران و انگلستان نقشی مهم و حیاتی را بازی می‌کند.

در مورد تحلیل شاخص‌ها از منظر پارامتر فرهنگ باید بیان کرد که بنابراین نتایج نهایی بدست آمده از مدل آینده پژوهی، تلاش برای ایجاد دگرگونی در روابط و سیاست خارجی از طریق زبان قابل فهم برای دیگران و درچارچوب فهم بین‌الذهانی از جمله شاخص‌های مهم آیتم زبان است که بر روابط ایران با کشور انگلستان نقش مهم و اساسی دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که خروجی‌های مدل نشان می‌دهد که تحلیل گفتمان نیز از شاخص‌های اثرگذار بر روابط ایران و انگلستان است. در حوزه تاریخ، تمدن و هنر، شاخص تبادل و اشتراک میراث هنری از جمله سینما، موسیقی، هنرهای نمایشی و صنایع دستی و نیز گردشگری از طریق بهره‌مندی از فناوری‌های نوین در حوزه IT و ICT از جمله اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های جهانی و در یک کلام ایجاد ائتلاف‌های فرهنگی، مهمترین شاخص در روابط ایران با انگلستان است. در حوزه دیپلماسی، توسعه دیپلماسی عمومی از جمله شاخص‌های مهم در روابط ایران با انگلستان است.

با توجه به خروجی‌های بدست آمده از مدل اجرا شده در این تحقیق، مشخص شد که شاخص‌های مختلفی از پارامترهای قدرت و فرهنگ بر روابط ایران و کشور انگلستان موثر هستند که این شاخص‌ها تک تک، تحلیل و بررسی شد. بنابراین با توجه به مفهوم قدرت هوشمند، نقش قدرت هوشمند در تداوم و برقراری روابط کارگشای فی مابین ایران و انگلستان، واضح و اثبات می‌شود.

شاخص‌های بدست آمده که بر روابط ایران با کشور انگلستان از منظر پارامترهای قدرت و فرهنگ موثر هستند، در چارچوب نظری رئالیسم نئوکلاسیک که چارچوب نظری مورد استفاده در این تحقیق بود، نیز قابل توجه هستند زیرا رئالیسم نئوکلاسیک، مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن در توضیح روابط بین‌الملل از بینش واقع‌گرایی استفاده می‌کنند و برآن است تا گستره و بلندپروازی سیاست خارجی یک کشور را در وهله نخست ناشی از جایگاه آن در نظام بین‌الملل و بویژه توانمندی‌ها در زمینه قدرت نظامی را افزایش دهد و درعین حال تاکید دارد که تاثیر این توانمندی‌ها بر سیاست خارجی غیرمستقیم و پیچیده است زیرا فشارهای نظام باید از طریق متغیرهای میانجی در سطح واحدها تبیین شوند. در واقع در این نظریه تاکید بر وجود اثرگذاری بیشتر عوامل داخلی بر روابط بین‌الملل است و شاخص‌های بدست آمده از خروجی مدل مورد در این رساله نیز موید این مطلب است.

ذکر این نکته ضروری است که از آنجا که نتایج نشان دهنده ناپایدار بودن سیستم مطالعاتی است، باید این مطلب را موکدا ابراز داشت که با تغییر در آیتم‌های تعریف شده برای هر یک از پارامترهای قدرت و فرهنگ، سیستم مورد بررسی که در اینجا رابطه میان ایران و انگلستان است، دستخوش تغییرات زیاد خواهد شد. بنابراین، تغییر در سیاست خارجی باید با جانب احتیاط و از روی تفکر و منطق بالا باشد.

پیشنهادها

با توجه به آنکه ایران با کشورهای مختلفی دارای مناسبات سیاسی است، پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات آتی، رابطه ایران با سایر کشورها در قالب مفهوم جغرافیای سیاسی و نیز با سایر پارامترها و آیتم‌ها بررسی شود.

منابع

- آشنا حسام‌الدین، درآمدی بر قدرت هوشمند: مطالعاتی برای جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۰)، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- اخباری، محمد و نامی، محمدحسن (۱۳۸۹) جغرافیای مرز؛ با تأکید بر مرزهای ایران، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- تولایی محمد، تحلیلی بر گفتمان هیئت حاکمه جدید انگلستان، (۱۳۸۷)، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- میرحیدر، دره، (۱۳۸۵)، اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، امیر کبیر.
- مولایی، محمدمهدی و طالبیان، حامد (۱۳۹۵) آینده پژوهی مسائل ایران با روش تحلیل ساختاری، تهران: فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۳، شماره ۸۶، صص ۵-۳۲.
- Asan, S. (2007). Qualitative cross-impact analysis with time consideration. *Technological Forecasting and Social Change*, 74(5), 627-644.
- [Aigerim Raimzhanova, "Power in ir: Hard,soft and Smart,2015, institute for cultural diplomacy and the university of bucharest](#)
- Armitage, Richard. "A Smart Power, More Secure America", CSIS Commission on Smart Power, Washington D.C, 2007.
- Godet,A.J.,Meunier,M.F.,Roubelat,F.,(2003). Structural analysis with the MICMAC method & actors strategy with MACTOR method, *Futures Research Methodology*, No.2.
- Ripsman, Norrin. (2009). Neoclassical realism and domestic interest groups, in Steven Lobell, Norrin Ripsman & Jeffrey Taliaferro (eds). *Neoclassical Realism, the State, and Foreign Policy*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Nye, Joseph. "Soft Power" (New York: Public Affairs, 2004):18.
- "Smart power in US-China relation", A Report of the CSIS Commission on China, 2007, at: <http://csis.org/publication/smart-power-us-china-relations>. (25 September 2009)
- Mohammad Nia, Mahdi. (2010) "Understanding Iran's Foreign Policy: An Application of Holistic Constructivism. Turkey", *Alternatives Turkish Journal of International Relations*, Vol.9, No.1, pp. 148-180.
- Neack, L. (1995). *Foreign policy analysis: continuity and change in its second generation*. Prentice Hall.
- Rowland, J., Rice, M., & Sheno, S. (2014). The anatomy of a cyber power. *International Journal of Critical Infrastructure Protection*, 7(1), 3-11.
- Walker, S. G., & Malici, A. (2016). *Role Theory and Role Conflict in US-Iran Relations: Enemies of Our Own Making*. Routledge.
- Beckley, M. (2012). China's century? Why America's edge will endure. *International Security*, 36(3), 41-78.
- Herrington, L., & Aldrich, R. (2013). The future of cyber-resilience in an age of global complexity. *Politics*, 33(4), 299-310.
- Marsh, S. (2003). The United States, Iran and Operation 'Ajax': Inverting Interpretative Orthodoxy. *Middle Eastern Studies*, 39(3), 1-38.
- Wells, M. C. (1999). Thermidor in the Islamic republic of Iran: the rise of Muhammad Khatami. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 26(1), 27-39.